

یادداشت

پیداوبنهان صنعت خودروسازی

سیاوش مهرآیین*

• کرده و کردار صنعت خودرو در ایران همواره مورد توجه بوده، بزرگی و عظمت آن چنان است که از خرد و درشت موضعی پیرامون آن دارند. عده‌ای چنین می‌پندارند که کرده و کردار صنعت خودرو اصلا قابل‌دفاع نیست و عده‌ای هم معتقدند که این صنعت نقش خود را به‌عنوان لکوموتیو صنعتی خوب بازی کرده است و ایران بدون صنعت خودرو یعنی ایران نیمه‌صنعتی. این صنعت دارای ظرفیت بالفعل تولید حدود دو میلیون دستگاه خودرو و تولید روزانه بالغ بر ۱۰ میلیون قطعه و شش هزار دستگاه خودرو در کشور است که موجب رونق ۶۰ رشته بزرگ و کوچک صنعتی مانند فولاد، پتروشیمی، لاستیک، آلومینیوم، شیشه، نساجی، رنگ و پوشش‌ها مواد شیمیایی و ... می‌شود. همچنین صنعت مذکور با فروش بیش از ۳۴ هزار میلیارد تومان (حدود ۱۹ درصد کل صنعت) سهم ۲۰٫۷درصدی از تولید ناخالص ملی کشور را به خود اختصاص داده است. صنعت خودرو ایران برخوردار از برند ملی (نظیر سمند و تیبا) و دانش طراحی بدنه و موتور، اکسل و سایر سیستم‌های خودرو بوده و ضریب خودکفایی (ساخت داخل) این صنعت بیش از ۷۰ درصد است. برای به‌دست‌آوردن یک تحلیل از خصوص نیم‌قرن کرده و کردار صنعت خودرو در ایران چاره‌ای نیست جز آنکه ابتدا تصویری از صنعت خودرو جهانی‌نمایی ارائه کنیم. صنعت خودرو در همه دنیا بر دو پایه یا بخش مهم بنا شده است: بخش مشهود (نیمه‌پیدا) و بخش نامشهود (نیمه‌پنهان).

● **بخش نامشهود:** این صنعت عبارت است از همه آنچه در یک بازدید معمولی به چشم می‌آید، اعم از مکان، سوله‌ها، تجهیزات، خطوط تولید، ربات‌ها، تاسیسات، کارکنان و ...

● **بخش نامشهود:** این صنعت عبارت است از همه آن چیزی که به چشم بازدیدکننده دیده نمی‌شود. موضوعاتی مانند: دانش فنی، آ.ا.ر، افکار و اندیشه کارکنان، مدیران و ...

این تقسیم‌بندی به‌این‌دلیل اهمیت دارد که می‌تواند سطح نگرش و نگاه ما را از موضوعات ملموس این صنعت خارج کند. ایجاد بخش مشهود در صنعت خودرو کاری است که فقط نیازمند سرمایه و زمان است؛ اما بخش نامشهود را نمی‌توان تنها با صرف سرمایه و زمان به دست آورد. از سویی دیگر با این تقسیم‌بندی می‌توانیم پرسش مهم دیگری را مطرح کنیم و آن این است که کدام بخش این صنعت مه‌تر است؟ کدام بخش این صنعت می‌تواند آن را به سمت یک صنعت رقابتی سوق دهد؟ فره‌بی کدام بخش از این دو می‌تواند به اقتصاد مقاومتی صنعت خودو بینجامد؟ اگر بخواهیم پاسخخی سطحی به این پرسش بدهیم، ناچار باید جانب قسمت نخست را گرفت؛ اما آیا واقعاً مشکل صنعت خودروی ایران در قسمت نخست نهفته است؟ آیا مشکل صنعت ایران فقر تکنولوژی است؟ آیا ما به اندازه‌خودروسازان ممتاز جهان قادر تولید، ربات، تاسیسات، تجهیزات و ... نداریم؟ براساس شواهد و قرائن موجود و برعکس نکات گفته‌شده از سوی کارشناسان فنی، تفاوت بسیار کم‌ی بین بخش مشهود صنعت خودروسازی ایران و استانداردهای جهانی این صنعت وجود دارد. بداینیم که امروزه همین بخش نامشهود بیشترین سهم از سود سرمایه در صنعت خودرو جهانی را به خود تخصیص داده است. شاید یکی از بزرگ‌ترین خدماتی که می‌تواند کسی برای نجات صنعت خودرو ایران انجام دهد، همین توجه به بخش نامشهود این صنعت است؛ یعنی توجه به دانش فنی، اندیشه و خلاقیت کارکنان، مدیران و گاه دیده می‌شود که بیشترین تأکید ناقدان بر بخش مشهود صنعت خودرو متمرکز است. گاهی می‌گویند که فروش سهام به شرکت‌های خارجی واکذاری به «نن‌بخس» است و چنان می‌پندارند که دریافت «نقشه‌های فنی» کاری است بسیار آسان! حال آنکه نباید فراموش کرد که موضوع اصلی این است که اصلا مشکل صنعت خودرو ایران داشتن «نوسازترین و به‌روزترین خط تولید» (بخش مشهود صنعت خودروسازی) نیست؛ بلکه مشکل اصلی در نداشتن «نقشه‌های فنی و به‌اصطلاح تکنولوژی» (بخش نامشهود صنعت خودروسازی) است و هر اقدامی که بتواند دسترسی ما را به بخش نامشهود صنعت خودرو سهل‌تر کند، گام بلندی در مسیر ایجاد اقتصاد مقاومتی صنعت خودرو است. درست است که سرمایه‌گذاری در صنعت نقش بسیار مهمی دارد؛ اما مهم‌تر از سرمایه‌گذاری در صنعت ایده و دانش فنی است. صنعت خودروسازی ایران، هم مدت‌ها زمان داشته و هم از سرمایه خوبی برخوردار بوده؛ اما چرا به نتیجه لازم نرسیده است؟ چون اصلا مشکل در این بخش نبوده است و طر‌فه آنکه بدانیم شرکت‌های طراز اول دنیا تمایل بیشتری به مشارکت در بخش مشهود صنعت خودروسازی دارند تا آنکه بخواهند دانش فنی و ایده‌های اصلی خود را به سایر شرکت‌ها انتقال دهند. اگر بخواهیم واقع‌بینانه مسائل و مشکلات صنعت خودرو ایران را دریابیم و بکوشیم تا مسیر پیشرفت این صنعت را هموار کنیم، چاره‌ای نیست جز اینکه ابتدا شناخت کافی و وافی از این صنعت به دست آوریم. صنعت خودرو پدیده‌ای است که تحلیل رفتارهای آن با سطحی‌نگری و نقدهای یکسویگرایانه به دست نمی‌آید. باید از سطح به عمق رفت، ریشه‌ها را یافت.

● **کارشناس صنعت خودرو**
• کرده و کردار صنعت خودرو در ایران همواره مورد توجه بوده، بزرگی و عظمت آن چنان است که از خرد و درشت موضعی پیرامون آن دارند. عده‌ای چنین می‌پندارند که کرده و کردار صنعت خودرو اصلا قابل‌دفاع نیست و عده‌ای هم معتقدند که این صنعت نقش خود را به‌عنوان لکوموتیو صنعتی خوب بازی کرده است و ایران بدون صنعت خودرو یعنی ایران نیمه‌صنعتی. این صنعت دارای ظرفیت بالفعل تولید حدود دو میلیون دستگاه خودرو و تولید روزانه بالغ بر ۱۰ میلیون قطعه و شش هزار دستگاه خودرو در کشور است که موجب رونق ۶۰ رشته بزرگ و کوچک صنعتی مانند فولاد، پتروشیمی، لاستیک، آلومینیوم، شیشه، نساجی، رنگ و پوشش‌ها مواد شیمیایی و ... می‌شود. همچنین صنعت مذکور با فروش بیش از ۳۴ هزار میلیارد تومان (حدود ۱۹ درصد کل صنعت) سهم ۲۰٫۷درصدی از تولید ناخالص ملی کشور را به خود اختصاص داده است. صنعت خودرو ایران برخوردار از برند ملی (نظیر سمند و تیبا) و دانش طراحی بدنه و موتور، اکسل و سایر سیستم‌های خودرو بوده و ضریب خودکفایی (ساخت داخل) این صنعت بیش از ۷۰ درصد است. برای به‌دست‌آوردن یک تحلیل از خصوص نیم‌قرن کرده و کردار صنعت خودرو در ایران چاره‌ای نیست جز آنکه ابتدا تصویری از صنعت خودرو جهانی‌نمایی ارائه کنیم. صنعت خودرو در همه دنیا بر دو پایه یا بخش مهم بنا شده است: بخش مشهود (نیمه‌پیدا) و بخش نامشهود (نیمه‌پنهان).

مالیات‌ها به دلیل اثرهای توزیعی و به عنوان یکی از عوامل سیاست‌گذاری دولت، همواره مورد توجه فعالان اقتصادی، سیاست‌گذاران و نظریه‌پردازان اقتصادی بوده است. در اقتصاد ایران به دلیل مشکلات ساختاری که ریشه آن به مجموعه عوامل اقتصادی، فرهنگی و سیاسی برمی‌گردد به اهمیت مالیات‌ها چندان توجه نشده است. این در حالی است که استفاده نادرست از این ابزار سیاستی در شرایط اقتصادی مختلف، می‌تواند آن را به بازی سازنده یا مخرب برای اقتصاد کشور تبدیل کند. شرایط فعلی اقتصاد ایران به دلیل تداوم رکود اقتصادی، افزایش قیمت حامل‌های انرژی، مشکلات مالی خریداران و کمبود سرمایه در گردش، فشارهایی جدی به بنگاه‌های ایرانی وارد کرده است. ازسوی دیگر سیاست‌هایی که در دو سال گذشته برای کاهش تورم اتخاذ شده عمدتاً مربوط به سمت تقاضای اقتصاد بوده است؛ بنابراین این موضوع نیز اثر منفی خود را روی تولید ملی باقی گذاشته است. این در حالی است که به دلیل کاهش درآمدهای نفتی، دولت برای تداوم خدمات خود، نیاز به افزایش درآمدهای مالیاتی دارد، در نتیجه تصمیمات مالیاتی باید به گونه‌ای باشد که هم هزینه‌های بنگاه‌های اقتصادی را کاهش دهد و هم منابع کافی را برای مخارج دولت فراهم کند. دراین‌میان بررسی الگوهای مختلف اصلاحات مالیاتی کشورهای مختلف جهان در دوره رکودی اخیر منتهی به سال ۲۰۱۲ می‌تواند حاوی نکات ارزشمندی باشد. تجربه اخیر رکود جهانی از بحران مالی سال ۲۰۰۸ آغاز شد که تأثیر عمیقی بر درآمدهای مالیاتی کشورهای مختلف باقی گذاشت و عوامل اصلی کسری بودجه و افزایش در بدهی دولت‌ها بود؛ به‌طوری‌که براساس گزارش انجام کسب‌وکار بانک جهانی(۲۰۱۵) کل درآمدهای مالیاتی در سراسر جهان به طور متوسط به اندازه ۰٫۷ درصد تولید ناخالص جهانی کاهش یافت. این کاهش در سال ۲۰۰۹ به ۱٫۱ درصد رسید. در شرایط نامشودگذاران در اکثر کشورها سیاست‌هایی را اتخاذ کردند که جمع‌آوری مالیات را تسهیل می‌کرد و ازسوی‌دیگر تا حد ممکن مالیات بر کسب‌وکار را کاهش می‌داد به‌طوری‌که هم منابع و هزینه‌های کسب‌وکار را کاهش دهد و هم منابع کافی برای مخارج دولت فراهم آید. برای مثال، در اتحادیه اروپا، اکثر اعضا نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها را کاهش دادند و در عوض پایه مالیات بر شرکت‌ها را گسترش دادند. اغلب این تغییرات با هدف ایجاد معافیت‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاری در سرمایه فیزیکی و همچنین تحقیق و توسعه صورت گرفتند.

کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها (اشخاص حقوقی) ازجمله اصلاحاتی بود که بسیاری از دولت‌ها در دوران رکود مالی آن را اجرا کردند. در دوره ۲۰۰۸ تا ۲۰۱۰ تقریباً ۴۷ کشور نرخ‌های مالیاتی خود را کاهش دادند. دراین‌زمینه، برخی اقتصاددا ازجمله کانادا، فیجی، یونان، اندونزی، اسلوانی و انگلستان، نرخ‌ها را به‌تدریج و در چند سال کاهش دادند و بقیه نیز به طور موقت کاهش نرخ‌های بیش‌تر را اعمال کردند. گروه دیگری از کشورها نیز به‌جای تغییر نرخ مالیات، محدوده‌های درآمدی را که به آن مالیات تعلق می‌گرفت تغییر دادند. پرتغال محدوده تعلق مالیات بر سود را در ژانویه ۲۰۰۹ مشخص کرد. درآمدهای تا ۱۲،۵۰۰ یورو مشمول بخششش نیمی از نرخ مالیاتی خود شدند. اما درآمدهای بالاتر از این مقدار نرخ استاندارد ۲۵ درصد را می‌پرداختند.

برای تحریک سرمایه‌گذاری در برخی نواحی خاص، دسته‌ای از کشورهای جهان، نرخ معافیت از مالیات مربوط به برخی دارایی‌های خاص را افزایش داده و به‌این‌ترتیب، برخی هزینه‌های فعالان اقتصادی را کاهش دادند. برای مثال تایلند، از طریق استهلاک سریع^۱ برای تجهیزات و ماشین‌آلات به کار گرفته‌شده تا

قبل از دسامبر ۲۰۱۰ اقدام به تشویق سرمایه‌گذاری کرد. استرالیا نوعی کمک‌هزینه سرمایه‌گذاری را معرفی کرد که دربرگیرنده تخفیف اولیه ۳۰درصدی در راندداناری کارخانه جدید بود. اتریش نوعی استهلاک سریع (۳۰ درصد برای سال اول) برای دارایی‌های مشهودی که در یک دوره زمانی مشخص تولید شده باشند، معرفی کرد. اسپانیا نیز استهلاک مالیاتی نامحدودی را برای سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت جدید و دارایی‌های غیرقابل انتقال در سال ۲۰۰۹ و ۲۰۱۰ معرفی کرد و سپس آن را برای سرمایه‌گذاری‌های صورت‌گرفته تا پیش از ۳۱ دسامبر ۲۰۱۲ تمدید کرد.

در میان متداول‌ترین اصلاحات مالیاتی صورت‌گرفته در دوره رکود در جهان، کشورهایی نیز مشاهده می‌شوند که هم‌زمان مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی را کاهش داده‌اند و به تعریف مالیات‌های جدید (مانند انواع مالیات بر مصرف) پرداخته، البته ذکر این نکته ضروری است که این مالیات‌های جدید غالباً اندازه کوچکی داشته است. برای مثال فنلاند در دوره رکود، مالیات بر مصرف انرژی خود را افزایش داد؛ درحالی‌که نرخ مالیات بر درآمد را کاهش داد. در سال ۲۰۱۱ ایتالیا نیز نرخ مالیات بر ارزش افزوده و نرخ مالیات بر دارایی‌های مسکونی^۲ را افزایش داد، اگرچه نرخ‌های مالیات نیروی کار و مالیات بر درآمد شرکت‌ها با کاهش مواجه کرد؛ بنابراین در کشورهای فنلاند و ایتالیا تغییراتی به منجر به افزایش برخی هزینه‌های مالیاتی شد، با تغییراتی همراه شد که ناظر بر کاهش برخی اقلام مالیاتی بود، ضمن اینکه افزایش یادشده بر نوعی از مالیات بر مصرف، اعمال شد.

در زمان وقوع بحران مالی و اقتصادی جهانی، با کاهش درآمدها خطر مالیات‌ندان در برخی کشورها افزایش یافت. از طرفی جمع‌آوری مالیات برای حمایت از برنامه‌ها و خدمات اجتماعی بسیار حائز اهمیت بود. در چنین شرایطی، بسیاری از کشورها به بازطراحی نظام مالیاتی خود با هدف تسهیل پرداخت مالیات روی آوردند و این‌کار را از طریق ایجاد یا گسترش سیستم ثبت و پرداخت الکترونیکی انجام دادند. سایر اصلاحات مالیاتی صورت‌گرفته در کشورها را واکنش به بحران جهانی، افزایش در مالیات بر نیروی کار و تعهدات اجباری کارفرما درباره نیروی کار بود.

در دوره ۲۰۰۹ تا ۲۰۱۳، کشور کره جنوبی یکی از معدود اعضای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه^۳ بود که توانست میزان بدهی دولت خود را کاهش دهد. بیشتر اقدام‌های پیش‌رفته افزایش بسیار سریعی را در بدهی عمومی در نتیجه مداخلات سیاستی برای مقابله با اثرات بحران مالی تجربه کردند. بحران مالی جهانی در سال ۲۰۰۸ و بروز رکود اقتصادی ضربه سختی به کره وارد کرد؛ چراکه کره بسیار متکی بر صادرات صنعتی بوده و درهم‌تنبیدی تجاری و مالی بالایی با سایر بازارهای توسعه‌یافته داشت. در نتیجه، اقتصاد کره به‌شدت انقباضی شد

اقتصاد

بایسته‌های نظام مالیاتی برای خروج از رکود

تهیه‌شده در: مرکز تحقیقات و بررسی‌های اقتصادی اتاق ایران (شهریور ۱۳۹۵)



عکس: حسین زهرنوباد، تنظیم

و منابع مالی عمومی آن تحت فشار قرار گرفت. در کوتاه‌مدت، افزایش بی‌اطمینانی به آینده در این کشور، در کاهش سریع ارزش پول کره جنوبی انعکاس یافت. این مسئله سبب شد بسته‌ای از اقدامات با هدف بهبود شرایط در نظر گرفته شود.

برای این منظور دولت اولویت‌هایی را برای سیستم مالیاتی تعیین کرد که دربردارنده حمایت از مالیات‌دهندگان با درآمدهای پایین و متوسط، تسهیل ایجاد شغل، تشویق سرمایه‌گذاری و رشد پایدار، منطقه‌سازی سیستم مالیاتی و تضمین پایداری منابع مالی عمومی^۴ بود. همچنین در راستای کمک به اشخاص به تعطیل‌کردن آن شده بودند، دولت، مالیات معوق تا پایان سال ۲۰۱۰ را برای افراد فوق‌الذکر که موفق به تأسیس کسب‌وکار جدید شده یا شغل دیگری یافته‌بودند، معاف کرد که این نوع معافیت تا پایان سال ۲۰۱۴ ادامه یافت. از سویی دیگر برای حمایت از توسعه کسب‌وکارهای محلی، مالیات شرکت‌هایی که از خارج به کره نقل مکان می‌کردند، برای پنج سال اول، مشمول صد درصد و به ازای دو سال بعد از آن، شامل ۵۰درصد معافیت مالیاتی می‌شد. برای حمایت از رشد آتی، مشوق‌های تحقیق و توسعه برای بنگاه‌ها در نظر گرفته شد و همچنین میزان تخفیف مجاز برای هزینه‌های تحصیلی افزایش یافت. به‌علاوه، کره مقررات تبعیت از قوانین مالیاتی را محکم‌تر کرد؛ برای مثال، جرائمی برای دارندگان درآمد که از پرداخت مالیات تعیین‌شده قصور می‌کنند، در نظر گرفت و نیز جرائم سنگین‌تری برای کسانی که فرارهای مالیاتی بالا و متعدد دارند در نظر گرفته شد. همچنین مهلت اقامه دعوی را برای تعقیب بعضی جرائم مالیاتی خاص افزایش داد. قرارداران این رویکرد در کره معتقدند این کار باعث شد کسری سریع‌تر از دیگر اعضای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، خود را بازسازی کند. با توجه به آنچه در تجربه کشورها گفته شد، به نظر می‌رسد رکود مالی به دولت‌ها کمک کرد تلاش بیشتری برای برقراری تعادل بین افزایش بیشتر درآمد و کاهش بار مالیاتی کسب‌وکارها کنند. نتیجه این اصلاحات، سبک‌ترشدن بار مقررات در حوزه مالیاتی و نیز کاهش ریسک فرارهای مالیاتی (به‌عنوان یک امر بسیار محتمل در دوران رکود) بود. به‌علاوه، دولت‌ها توانستند تخفیف‌های مالیاتی نوین و نیز قوانین استهلاک جدیدی را معرفی کنند که سبب کاهش هزینه‌های مالیاتی شرکت‌ها و نیز افزایش پایداری بیشتر آنها در برنامه‌ریزی برای جریان وجوه و تحریک سرمایه‌گذاری در حوزه‌های خاص شد.

علاوه بر موارد یادشده، همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها نیز از جمله اصلاحات رایجی بود که در دوران پس از رکود جهانی، از سوی بسیاری از کشورها به اجرا گذاشته شد. این اصلاحات بر اساس این منطق انجام شد که کاهش سرمایه‌گذاری در حوزه‌های خاص شد.

علاوه بر موارد یادشده، همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها نیز از جمله اصلاحات رایجی بود که در دوران پس از رکود جهانی، از سوی بسیاری از کشورها به اجرا گذاشته شد. این اصلاحات بر اساس این منطق انجام شد که کاهش

این نوع از مالیات‌ها در نهایت، رشد اقتصادی بیشتر را به دنبال دارد. مکانیسم این اثرگذاری به این صورت است که با کاهش نرخ مالیات بر بنگاه‌ها، هزینه سرمایه برای بنگاه‌ها کاهش می‌یابد، بنابراین پروژه‌های سرمایه‌گذاری که تاکنون توجیه اقتصادی نداشته‌اند سودآور می‌شوند. بنابراین احتمال سرمایه‌گذاری در این پروژه‌ها افزایش می‌یابد. در نتیجه با افزایش فرصت‌های سرمایه‌گذاری و سودآوری آنها، تولید ناخالص داخلی، بهبود می‌یابد. ارتقای سرمایه‌گذاری در کوتاه‌مدت از طریق تحریک تقاضا و در بلندمدت از کانال اثرگذاری بر بخش عرضه اقتصاد، رشد اقتصادی را تحت‌تأثیر قرار می‌دهد. علاوه بر این، وجود حجم بزرگ‌تری از سرمایه در یک اقتصاد، بازدهی آینده آن را نیز بهبود می‌بخشد. با بررسی تجربیات کشورهای مختلف جهان در شرایط رکودی و مقایسه آن با تجربیات کشور ایران می‌توان دریافت اقتصاد کشور نیاز به نظام مالیاتی اعطاف‌پذیرتری دارد؛ به طوری‌که متناسب با شرایط اقتصادی عمل کند. از سوی دیگر در ایران سهم کارفرما از حق بیمه تأمین اجتماعی ۲۳ درصد به ماخذ حقوق و دستمزد پرداختی به کارکنان است. با توجه به فرض‌های در نظر گرفته‌شده در گزارش کسب‌وکار بانک جهانی (۲۰۱۵)، ملاحظه می‌شود که نرخ پرداخت‌های تأمین اجتماعی در ایران، سهمی معادل با ۲۵٫۹ درصد از سود یک بنگاه استاندارد (تعریف‌شده در گزارش بانک جهانی) را دارد که سهم بالایی است. نگاهی به وضعیت سایر کشورها نشان می‌دهد سهم پرداخت‌های تأمین اجتماعی در بسیاری از کشورها کمتر از ایران است. بنابراین یک پیشنهاد طبیعی برای کاهش نرخ کلی مالیات در ایران، کاهش نرخ قانونی پرداخت‌های تأمین اجتماعی است. از سوی دیگر حتی با این نرخ‌های بالا، منابع و مصارف تأمین اجتماعی توازن لازم را ندارند و نگرانی‌های عمیقی درخصوص پیشی‌گرفتن مصارف تأمین اجتماعی از منابع آن وجود دارد. بنابراین به نظر می‌رسد کاهش نرخ قانونی سهم کارفرما از پرداخت‌های مربوط به تأمین اجتماعی در کنار اصلاح ساختار سیستم تأمین اجتماعی، یک راهکار ضروری در راستای تقویت سمت عرضه اقتصاد باشد.

(نصیری‌ا قدم و همکاران. (۱۳۹۲))

جمع‌بندی

بررسی الگوهای مختلف مالیاتی کشورهای جهان در شرایط رکودی، نشان می‌دهد اغلب کشورها اصلاحاتی در جهت کاهش هزینه‌های مالیاتی بنگاه‌های اقتصادی انجام داده‌اند، همچنین در برخی موارد هم‌زمان با کاهش مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی، اصلاحاتی در جهت افزایش مالیات‌ها (عمدتاً مالیات بر مصرف، در صورت گرفتن آن غالباً اندازه کوچکی داشته است). مقایسه این تجربیات با شرایط اقتصاد ایران، می‌توان دریافت که نظام مالیاتی کشور، نیاز به افزایش مالیات‌های محلی، تسهیل ایجاد شغل، تشویق سرمایه‌گذاری و رشد پایدار، منطقه‌سازی سیستم مالیاتی و تضمین پایداری منابع مالی عمومی^۴ بود. همچنین در راستای کمک به اشخاص به تعطیل‌کردن آن شده بودند، دولت، مالیات معوق تا پایان سال ۲۰۱۰ را برای افراد فوق‌الذکر که موفق به تأسیس کسب‌وکار جدید شده یا شغل دیگری یافته‌بودند، معاف کرد که این نوع معافیت تا پایان سال ۲۰۱۴ ادامه یافت. از سویی دیگر برای حمایت از توسعه کسب‌وکارهای محلی، مالیات شرکت‌هایی که از خارج به کره نقل مکان می‌کردند، برای پنج سال اول، مشمول صد درصد و به ازای دو سال بعد از آن، شامل ۵۰درصد معافیت مالیاتی می‌شد. برای حمایت از رشد آتی، مشوق‌های تحقیق و توسعه برای بنگاه‌ها در نظر گرفته شد و همچنین میزان تخفیف مجاز برای هزینه‌های تحصیلی افزایش یافت. به‌علاوه، کره مقررات تبعیت از قوانین مالیاتی را محکم‌تر کرد؛ برای مثال، جرائمی برای دارندگان درآمد که از پرداخت مالیات تعیین‌شده قصور می‌کنند، در نظر گرفت و نیز جرائم سنگین‌تری برای کسانی که فرارهای مالیاتی بالا و متعدد دارند در نظر گرفته شد. همچنین مهلت اقامه دعوی را برای تعقیب بعضی جرائم مالیاتی خاص افزایش داد. قرارداران این رویکرد در کره معتقدند این کار باعث شد کسری سریع‌تر از دیگر اعضای سازمان همکاری‌های اقتصادی و توسعه، خود را بازسازی کند. با توجه به آنچه در تجربه کشورها گفته شد، به نظر می‌رسد رکود مالی به دولت‌ها کمک کرد تلاش بیشتری برای برقراری تعادل بین افزایش بیشتر درآمد و کاهش بار مالیاتی کسب‌وکارها کنند. نتیجه این اصلاحات، سبک‌ترشدن بار مقررات در حوزه مالیاتی و نیز کاهش ریسک فرارهای مالیاتی (به‌عنوان یک امر بسیار محتمل در دوران رکود) بود. به‌علاوه، دولت‌ها توانستند تخفیف‌های مالیاتی نوین و نیز قوانین استهلاک جدیدی را معرفی کنند که سبب کاهش هزینه‌های مالیاتی شرکت‌ها و نیز افزایش پایداری بیشتر آنها در برنامه‌ریزی برای جریان وجوه و تحریک سرمایه‌گذاری در حوزه‌های خاص شد.

علاوه بر موارد یادشده، همان‌طور که پیش‌تر بیان شد، کاهش نرخ مالیات بر درآمد شرکت‌ها نیز از جمله اصلاحات رایجی بود که در دوران پس از رکود جهانی، از سوی بسیاری از کشورها به اجرا گذاشته شد. این اصلاحات بر اساس این منطق انجام شد که کاهش

۴. وزارت استراتژی و مالی ۲۰۱۲

۱-Accelerated Depreciation

2-Local Property Tax rates

3-The Organisation for Economic Co operation and Development (OECD)

۴. وزارت استراتژی و مالی ۲۰۱۲

خبر

وزارت نیرو:

ذخیره آب ۷۷ سد کشور کمتر از ۴۰ درصد است

● وزارت نیرو اعلام کرد: ذخیره آب ۷۷ سد بزرگ کشور در آخرین روزهای سال آبی ۹۴–۹۵ کمتر از ۴۰ درصد است. به گزارش وزارت نیرو، با وجود بارش‌های هفته گذشته در نقاط مختلف کشور و جاری‌شدن سیل در برخی استان‌ها از جمله مازندران، در آخرین روزهای سال آبی جاری هنوز مخازن ۷۷ سد کشور از جمله لار، زاینده‌رود، درودزن، ساوه، ۱۵ خرداد، استقلال و دوستی کمتر از ۴۰ درصد ذخیره دارد. براساس آخرین آمار شرکت مدیریت منابع آب ایران، از بین ۱۶۹ سد بزرگ کشور، تا تاریخ ۱۷ شهریور فقط مخزن ۲۰ سد از جمله لتیان، گیلارسو، دویرج، کمال صالح و کیودوال (نگارستان) بین ۹۰ تا صد درصد پر بوده است.

هواپیماسازی آنتونف اوکراین تعطیل شد

● **ایرنا:** آنتونف تنها شرکت هواپیماسازی مسافری و باری اوکراین برجای‌مانده از دوران شوروی پس از ۶۵ سال فعالیت به دلیل جنگ تحریم با روسیه، مجبور شد تولید خود را متوقف کند. به گزارش روزنامه روسی نوییه ایروسیتا نوت، آندره خاوستف، معسان اداره طراحی آنتونف به خبرنگاران گفت این شرکت امسال به دلیل قطع همکاری با روسیه هیچ نوع هواپیمایی تولید نمی‌کند. وی گفت: اگر آنتونف بخواهد باز هم هواپیم‌ا تولید کند، باید جایگزینی برای هزاران قطعه و تجهیزات یابد که تاکنون از روسیه خریداری می‌کرده‌است. وی افزود: برای ساخت هواپیمای آن-۱۴۸ و آن-۱۵۸ باید برای حدود پنج‌هزارو ۴۰۰ قطعه و تجهیزات روسی جایگزین یافت شود که می‌تواند در اوکراین ساخته یا از کشورهای دیگر خریداری شود. شرکت اوکراینی که تجربه بسیار خوبی در ساخت هواپیمای باری قدرتمند دارد و همچنین در بخش مسافری ازجمله تولید آنتونف ۱۴۰ فعالیت داشت، سال ۲۰۱۵ فقط دو فروند هواپیمای آن-۱۴۸ و آن-۱۵۸ تولید کرد. خاوستف گفت دو هواپیمای تولیدشده نیز از قطعات و تجهیزات ائبارها (خزیده‌های قبلی از روسیه) ساخته شده و دیگر قطعات برای ساخت هواپیمای جدید وجود ندارد. مقام شرکت آنتونف ادامه داد: اصلی‌ترین تجهیزات وارداتی از روسیه، بخش مخابراتی و الکترونیک کابین هواپیماهاست. وی همچنین ابراز امیدواری کرد که سال آینده ساخت هواپیماها از سرگرفته شود. ولی توضیح نداد که قطعات مورد نیاز از کجا تأمین خواهد شد. آنتونف به‌عنوان شرکت فناوری هوافضا و صنایع جنگ‌افزاری اوکراین سپتامبر سال گذشته با بخشنامه دولت این کشور به مشارکت در مرکز مشترک هواپیماسازی با روسیه به نام «اوای-کا-آنتونف» پایان داد و زیرمجموعه شرکت تسلیحاتی دولتی «اوکراپارون پروس» شد.

تجمع اعتراضی کارگران بازنشسته نیشکر هفت‌تپه

● **ایلنا:** شماری از کارگران «مجمع کشت و صنعت هفت‌تپه» در شوش با تجمع مقابل ساختمان اداره کار و فرمانداری این شهر خواستار مشخص‌شدن وضعیت بازنشستگی خود شدند. صبح یکشنبه گذشته بیش از ۸۰ نفر از کارگران مجتمع کشت و صنعت هفت‌تپه که از اسفندماه سال ۹۴ تاکنون مشمول مقررات بازنشستگی پیش از موعد مشاغل سخت و زیان‌آور هستند، در اعتراض به برآورده‌شدن خواسته‌های صنفی خود مقابل ساختمان اداره کار و فرمانداری شوش تجمع کردند. کارگران جمع‌کننده می‌گویند ازجمله ۱۵۰ کارگری هستند که به دلیل داشتن شغل سخت و زیان‌آور مشمول بازنشستگی

پیش از موعد شده‌اند اما چون هنوز کارفرما حق بیمه اضافی مربوط به سخت و زیان‌آوربودن شغل آنها را به حساب سازمان تأمین اجتماعی پرداخت نکرده است، بیش از شش ماه است که حکم بازنشستگی آنها صادر نشده است. به ادعای آنان، ظاهراً کارفرما نبودن منابع مالی را دلیل عمل‌نکردن به تعهدات خود عنوان کرده است اما آنها که از ادامه این وضعیت خسته شده‌اند، تصمیم به برپایی این تجمع گرفته‌اند. طبق اظهارات کارگران این مجتمع، آنها حدود شش ماه است که از محل کار خود خارج شده و منتظر حکم بازنشستگی هستند. در این فاصله نه کارفرما به آنها دستمزدی پرداخت می‌کند و نه وضعیت بازنشستگی‌شان مشخص شده تا بتوانند از مستمری دوران بازنشستگی برای معیشت زندگی‌شان استفاده کنند.

حکم جهانگیری برای نعمت‌زاده

● **شانا:** معاون اول رئیس‌جمهور در حکمی محمدرضا نعمت‌زاده را به‌عنوان جانشین رئیس ستاد فرماندهی اقتصاد مقاومتی در استان‌های تهران و مرکزی تعیین کرد. این حکم برای سرعت‌بخشیدن به اجرای سیاست‌های کلی اقتصاد مقاومتی ابلاغی از سوی رهبر معظم انقلاب (مدظله‌العالی) و عمل به تأکیدات رئیس‌جمهور محترم در تحقق برنامه‌های مرتبط با این سیاست‌ها در سال ۹۵ صادر شده است. در بخش‌هایی از این حکم آمده است: «در اجرای این حکم کلیه دستگاه‌های اجرایی موظفند هماهنگی و اقدام لازم را با جناب‌عالی معمول نمایند».